

## زمینه‌ها و احتمالات پیش روی بحران اوکراین

علی‌رضا یونسی<sup>۱</sup>

### ناتو و مسکو

ناتو یا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (North Atlantic Treaty Organization) اتحادی نظامی است که در لحظات ابتدایی جنگ سرد میان دموکراسی‌های اروپایی و دو کشور ایالات متحده آمریکا و کانادا تشکیل شد تا از حمله احتمالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به اروپای 'اصطلاحاً' آزاد جلوگیری کند. ناتو به زبان ساده یعنی در صورت وقوع حمله به قلمرو [و منافع] هر کدام از امضاکنندگان پیمان، باقی اعضای ناتو ملزم به واکنش سخت هستند. شوروی بعدها پیمان ورشو را در مقابله با ناتو با همان مفاد اما در شرق اروپا منعقد کرد که به نظامی شدن اروپا سرعت بخشید.

در ۱۹۹۹ که ولادیمیر پوتین جوان قدرت را در مسکو به دست گرفت، ناتو روی هم‌رفته ۱۹ عضو داشت. که ترکیب کلی آن کم و بیش همان کشورهای اروپای غربی به همراه امریکای شمالی بود. اکنون، ناتو پیمانی است متشکل از ۳۰ کشور که بخشی از این اعضا، کشورهای استقلال‌یافته از شوروی هستند. پوتین معتقد است ناتو تلاش دارد با گسترش کنترل خود بر اروپا امنیت روسیه را متزلزل کند، ادعایی که کم بیراه نیست؛ چرا که از قول پوتین این روسیه نیست که در مرزهای جغرافیایی ایالات متحده موشک‌های میان‌برد نصب کرده است.

### اوکراین

اوکراین؛ کشوری در حاشیه غربی سرزمین‌های روسیه کشوری است که صدها سال زیر سلطه امپراتوری روسیه قرار داشت و بیشتر قرن گذشته را بعنوان یکی از جمهوری‌های شوروی قدرت خود را از مسکو دریافت می‌کرد. به تعبیر پوتین، روسیه و اوکراین کشور-ملت‌هایی 'یگانه' با سابقه‌ای طولانی در اتحاد اند که پوتین علاقه خاصی به آن‌ها دارد. پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ برای بیشتر از ۲۰ سال اوکراین در کشمکش رهبرانش برای نزدیکی بیشتر به روسیه یا اتحادیه اروپا و غرب سرمایه‌داری آشوب و ناآرامی را تجربه کرد. درواقع حین استعفای گورباچف، هیچکدام از مقامات مسکو خواستار جدایی بلاروس و اوکراین از روسیه جدید نبودند و نتیجه این دیدگاه در تلاش‌های مسکو به نزدیکی به کی‌یف و مینسک که در مقام مقایسه به تلاش‌های آنها برای نزدیکی به هیچکدام از کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق نمی‌مانست بروز یافت.

### شرح یک بحران

نتیجه تلاش‌های مسکو در ۲۰۱۳ منجر به نابودی توازن قوا شد و دولت مستقر در کی‌یف، برای نزدیک شدن به روسیه عطای اتحادیه اروپا را به لقایش بخشید. در نتیجه این تصمیم دولت، اوکراین غرق در تظاهرات و سپس خشونت و تمایلات انقلابی، شد در مقیاسی که دولت اوکراین از حکومت ساقط شد و کمتر از یک هفته پس از سقوط کی‌یف، نیروهای روسی ابتدا شبه‌جزیره روسی‌نشین کریمه را ضمیمه خاک روسیه کردند و سپس وارد مناطق شرقی اوکراین شدند تا از شبه‌نظامیان طرفدار روسیه حمایت کنند، جنگی که تا به امروز ادامه داشته است و حداقل ۱۵ هزار کشته و به تبع ده‌ها هزار آواره بر جای گذاشته است. اساساً مسئله اوکراین برای روسیه جنبه‌های تاریخی-ملی، ژئوپلیتیک و صدا البته شخصی دارد؛ از آن دست از دیدگاه‌هایی که نیروهای نازی را در استالینگراد زمینگیر ساخت: علاقه شخصی هیتلر برای فتح شهری نسبتاً مهم اما هم‌نام با رهبر وقت شوروی سابق. چنین دیدگاه‌هایی را در رهبران دیگری چون شی جین-پینگ درباره تایوان و هنگ کنگ هم می‌توان دید؛ پوتین و شی، هر دو اثبات ابرقدرت بودن خود به جهانیان و صدا البته مردم کشورهای خود را در انضمام چنین کشورهای مستقلی می‌بینند.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی مهندسی برق، دانشگاه شیراز

پوتین علاقمند است از دیدگاه مردم روسیه، کشور روسیه در مقدمه‌ی بازگشت به قدرت گذشته خود است؛ مسئله‌ای که بر محبوبیت و مشروعیت سیاسی پوتین بسیار تاثیرگذار است؛ کمتر کسی می‌تواند بحران‌های ۲۰۱۴ اوکراین و ۲۰۰۸ گرجستان و تاثیر آن بر محبوبیت پوتین انکار کند. اما پاسخ به سوال 'آیا مردم روسیه خواستار جنگی دیگر در اوکراین هستند یا خیر' آسان نیست و همزمان مقامات مسکو با پافشاری بر حفظ مواضع خود در قبال اوکراین، هرگونه تمایل به حمله به خاک اوکراین را رد می‌کنند.

## ابعاد بحران

جزئیات گزینه‌های احتمالی حمله نظامی روسیه به حدود و ثغور سرزمینی اوکراین در دکترین نظامی شوروی سابق برای پیشروی سریع در منطقه و جغرافیای طبیعی اوکراین وابسته است. اگر پوتین بخواهد اوکراین را با هدف تصرف پایتخت آن کی‌یف درنوردد به جنگی در مقیاسی می‌انجامد که از ۲۰۰۳ تا به حال و پس از سقوط صدام دیده نشده است؛ که متخصصین را وادار به طرح این پرسش می‌کند که پیروزی‌ای بادوام با توجه به شرایط کنونی روسیه مقدر است یا خیر. تخمین زده می‌شود دستکم ۱۰۰ هزار نیروی روسی تا ژانویه ۲۰۲۲ در مرز روسیه و اوکراین قرار دارند؛ دکتر فرد کیگن از موسسه امریکن اینترپرایز معتقد است حداقل نیرویی میان ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بیشتر از آن برای فتح کامل کی‌یف احتیاج است. یادآور است در جنگ عراق، ۱۷۵ هزار نیروی متشکل از نظامیان امریکایی و متحدان امریکا شرکت داشتند.

## آیا فتح کامل اوکراین امکان‌پذیر است؟

کیگن معتقد است صرفاً در صورت سقوط کی‌یف، پوتین به دستکم ۳۲۵ هزار نیروی مسلح برای حفظ قدرت و اشغال کامل اوکراین احتیاج دارد. اوکراین به گزارش IISS ارتشی با ۱۴۵ نیروی رسمی داشته و نزدیک به ۳۰۰ هزار نیروی شبه‌نظامی در مناطق شرقی از ۲۰۱۴ در آمادگی رزمی نسبی، دارد. نظرسنجی‌ها خبر از تمایل یک سوم از جمعیت خود به پیوستن به گروه‌های مسلح مقاومت در سطح کشور می‌دهند. پوتین و بسیاری دیگر از رهبران جهان از تجربیات و سختی‌های امریکا در عراق در جدال با نیروهای پارتیزانی محلی درس‌های بسیار گرفته‌اند.

## برتری‌های روسیه

با در نظر گرفتن استعداد رزمی، وسعت و منابع دو کشور می‌توان برداشت کرد مسکو از برتری‌های قابل‌توجهی حداقل از لحاظ تهاجم اولیه بر کی‌یف برخوردار است؛ خصوصاً برتری هوایی و موشکی. اوکراین در برابر اما، متحمل عواقب سهم‌گینی در یک تهاجم همه‌جانبه خواهد شد که منجر به نابودی روحیه عمومی کشور نتیجتاً فرار میلیون‌ها اوکراینی به غرب بجای مقاومت در مقابل روسیه، می‌شود. روسیه قابلیت این را داراست که شاکله‌ی نیروهای مسلح اوکراینی را با تسلیحاتی چون موشک اسکندر ویران کرده و برای اولین بار در تاریخ جنگ‌های بشری شاهد نتایج تسلیحاتی به این شدت نابودکننده بر نظامیان و غیرنظامیان باشیم؛ وضعیتی شبیه به غرش موشک‌های V-2 آلمانی در آسمان لندن.

در مقابل هرچند کی‌یف تلاش کرده است با سیل تسلیحات غربی خود را در مقابل روسیه ایزوله کند، از دید تکنولوژیکی و حتا عددی، در بهترین حالت تعدادی پهپاد TB2 ترکیه‌ای و جولین‌های (با برد مفید ۲/۵ کیلومتر) امریکایی چند ساعت در مقابل لشکر عظیم تانک‌ها و هواپیماهای روسی مقاومت خواهند کرد.

## مسئله بلاروس

ساده‌ترین راه برای تصرف کامل کی‌یف و سپس تمام اوکراین، عبور نیروهای روسی از بلاروس منوط به چراغ سبز مینسک است؛ که با توجه به روابط دوستانه لوکاشنکو (رئیس‌جمهور مادام‌العمر بلاروس) با شخص پوتین و همگامی با سیاست‌های وی (که تا جای تلاش برای قرارگیری تسلیحات اتمی مسکو در بلاروس پیش رفته است) بعید بنظر نمی‌رسد؛ و امید بستن به مقاومت مینسک در شرایط فعلی در مقابل خواسته‌های مسکو نوعی حماقت بشمار می‌رود.

نیروهای روسی به سادگی می‌توانند با گذر از جنوب بلاروس کی‌یف را از غرب محاصره کرده و همزمان با نیروهای روسی که از شرق اوکراین وارد شده‌اند، حلقه محاصره کی‌یف را تکمیل کنند.

### آلترنتیوهای مسکو

علاوه بر تمامی گفته‌های بالا، احتمال درگیری نظامی مستقیم مسکو در اوکراین بسیار کم است و به عقیده دکتر تاراس کوزیو در اندیشکده هنری جکسون 'آخرین گزینه پوتین' خواهد بود. احتمال این وجود دارد که همچون بحران ۲۰۰۸ گرجستان، نیروهای روسی مناطقی از اوکراین را در تصرف خود قرار داده و پس از تحریک بسیار نیروهای اوکراینی و مداخله آن‌ها، بهانه لازم برای حمله روسیه برای تصرف بخش بزرگی از اوکراین را بدست آورد. نباید فراموش کرد با توجه به اصرار مسکو بر گفتگوهای صلح و انکار قصد حمله به کی‌یف، الحاق اوکراین به روسیه آخرین هدف و انگیزه پوتین خواهد بود.

احتمالات دومی که می‌توان از آن سخن گفت حمله سنگین زمینی به مناطق مهم صنعتی اوکراین از طریق کریمه و دونباس است تا توان پهنپادی و توپخانه‌ای را نابود کرده و اوکراین را تضعیف کند. و در آخر پروژه روسیه جدید تا دسترسی اوکراین به دریای سیاه را به صفر رسانده و دولت مرکزی را تحت فشار قرار دهد. و احتمال آخر احیای پروژه 'روسیه جدید' پوتین برای قطع دسترسی کی‌یف به دریای سیاه خواهد بود؛ با فتح ادیسا و شهر صنعتی دنیپرو.

فتح جنوب اوکراین و نقاط کانونی صنعتی و تجاری آن از حمله ادیسا، نیاز به پشتیبانی هوایی و دریایی و البته حضور نیروهای هوای و تفنگداران دریایی در سواحل اوکراین دارد.

با درنظرگیری همه احتمالات ذکر شده، تصرف دونباس تقریباً مسلم است، هرچند محدود اما حتمی.

### نقشه‌های احتمالی حمله به اوکراین

نقشه‌های احتمالی حمله همه‌جانبه مسکو به کی‌یف، احتمالاً به شرح زیر با توجه به دکترین نظامی شوروی سابق و جغرافیای طبیعی اوکراین انجام گیرد:

۱- در جنوب اوکراین نیروهای روسی از کریمه و دونباس با هدف کشاندن نیروهای اوکراینی به این منطقه حمله می‌کنند؛

۲- در شرق اوکراین نیروهای روسیه شهرهای حیاتی چون کی‌یف و خارکف را محاصره کرده و شریان‌های ارتباطی را قطع می‌کنند؛

۳- بیشتر نیروهای روسی پیشروی خود را در امتداد رود دنیپر متوقف کرده و به سوی کی‌یف پیشروی می‌کنند؛

۴- تصرف بندر اودسا از سمت ترانس‌نیستریا (منطقه‌ای خودمختار میان اوکراین و مولداوی که همانند کریمه خواستار پیوستن به فدراسیون روسیه است)، کریمه یا دریای سیاه که به برتری روسیه در کنترل مناطق ساحلی روسیه می‌انجامد؛

۵- نیروهای روسی می‌توانند با گذر از جنوب شرقی بلاروس، خود را به غرب کی‌یف رسانده و ملزم به گذر از رود دنیپر نشوند؛

۶- و پیشروی از غرب اوکراین (از بلاروس) منجر به آن می‌شود که نیروهای روسی مجبور به عبور از منطقه پریپیات (چرنوبیل) نشوند و خود را به کی‌یف برسانند.



تصویر: اندیشکده مطالعه جنگ (Institute for the Study of War)

